

(۱۰) که میگوید خود حاکم معین میکند در جاهائی که انجمن نباشد و کارگذاری هم نباشد میتواند یک نفر از معتمدین آن جا را معین بکنند این است که بنده با آن دو ماده مخالفم و این را که عرض کردم بهتر میدانم.

ذکاء الملك - بلی این ماده بآنطوریکه بوده بعضی مزایا و محسنات داشت لکن اینجا یک چیزی بوده که مامجبور شدیم باین شکل اختیار بکنیم و آن این است که غالباً حوزه های انتخابات یک طرز خواهد بود که شاهزاده و اعیان و کارگذار نداند چیزی که اکثر اینطور بوده گفتم قاعده را برای اول مینویسیم و حال اکثر را ملاحظه نمودیم حالا در جائی که شاهزاده و اعیان و کارگذار داشته باشد البته آنها برتری خواهند داشت ولی نمیتوانیم یک قانونی بگذاریم که شامل جزء اول بشود و اکثر در آن بحال استثناء باشد.

حاج سید ابراهیم - این نه بودن کارگذاری در بعضی نقاط علت نمیشود که طبقه تجار و علماء و اعیان و اصناف نباشند چه ضرر دارد که اینجا علماء و اعیان و تجار و اصناف قرار بگذارند این یکی مطلبی نیست بنده عرضم برای این بود در اینجا که نوشته شده است در شهرهای بزرگ که انجمن نظارت شعبه پیدا میکند پنج نفر معین میشود و گمان میکنم اینجائیکه انجمن ایالتی و ولایتی ندارد بزرگ تر از یک محل شهری نباشد هیچ جهت ندارد مقید بکنند که هفت نفر باشند آنوقت آنها را هم مقید بکنیم که با اطلاع باشند و ما چندین فید داشته باشیم که اسباب عدم جریان انتخابات بود پس خوب است این راهم پنج نفر بکنیم مثل همان پنج نفر که در آن شعبه شهرهای بزرگ باشد.

بهجت - در جاهائیکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست غالب طبقات هم وجود ندارد باید درست تأمل کرد که آن حوزه بندیها بچه شکل است ملتفت خواهند شد که غالباً بلوک است و یقین دارم که از صدی پنج در این بلوک کار گذار نیست شاید از علماء باشند ولیکن از طبقه تجار و اعیان نیست بجهت اینکه غالباً دهات و بلوک است که ما گفتیم شامل میشود که طرف اطمینان و محل وثوق مردم باشد مثلاً نوشته شده است از شاهزادگان برای دو نقطه اسم ببریم شاهزاده آن وقت برای نود و هشت نقطه دیگر استثناء بکنیم این خلاف منطقی است از فصاحت و بلاغت خارج است ما مینویسیم معتمد اهل محل آخرین عبارت را مینویسیم که محل وثوق مردم باشد آنوقت ممکن است که اسامی اشخاص را نبرد این هیچ فایده ندارد شاید یک تاجری بود و هیچ طرف اعتماد مردم هم نبود آنوقت حاکم مجبور است که او را معین بکند بدیهی است که حاکم نمیتواند مجبور بشود که از طبقات اشخاص معین بکند اینجا بطور ساده نوشته شده است که هفت نفر را انتخاب بکنند که محل اعتماد مردم باشد بدیهی است که ما نمیتوانیم برای تعیین انجمن نظار اشخاص معین بکنیم فقط چیزی که هست البته اگر یک شاهزاده صحیحی بود حکومت برای رضایت اهل محل او را معین خواهد کرد و همچنین یک نفر تاجر یا اگر یک نفر کارگذار بود حاکم آنها را معین خواهد کرد بدیهی است ما رضامندی اهل محل را که شرط کردیم اینها در ضمن رضامندی ملحوظ خواهد شد و راجع

بشعباتیکه معین میشود در شهرهای بزرگ آن هم اینست که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند انجمن نظاریکه میشود در نقاط جزء آنها زحمات اینها را ندارند مثلاً در تهران یک شعبه در شهر نو تشکیل میشود صندوق آرایش میآید و در مرکز آن که تهران است یعنی در یک محلیکه برای انتخابات معین شده است منتهی از آنجا نمیتوانند بیایند بمرکز آنجا رأی میدهند آن وقت استخراج آراء آن شعبه به تصویب انجمن نظار مرکزی است ولی سایر شرایطی که در انجمن نظار هست در آنها نیست یعنی استخراج آراء نمیکند صورت مجلس مینویسند فقط صندوق را باز میکنند و استخراج آراء میکنند پس بنابراین ترتیب همین ماده که اینجا نوشته شده است صحیح است و هیچ محتاج به تفسیر نیست.

آقا سید حسین اردبیلی - در این جا این معتمدین اهل محل که نوشته است در واقع اگر تعیین شود فقط شامل بان اشخاصیکه از بستگان خود حاکم هستند میشود.

فقط حکومت تشکیل خواهد داد و کسانی را جمع خواهد کرد بدو لخواه خود و اگر هم از اهل محل تحقیق بشود از همان اهل محلیکه تحقیق میشود که طرفدار همان هیئت هستند باید دید که یک طبقه دیگر از علماء و تجار و سایرین هستند که بتوانند تحقیق بکنند که معتمدین طرف اعتماد اهل محل هستند یا که طرف اعتماد حکومت هستند اینست که بنده تصور میکنم این چیزی را که آقای بهجت فرمودند کافی نیست و آن مقصودی را هم که دارند نمیرساند.

رئیس - مذاکرات گویا کافی است - دو فقره اصلاح است قرائت میشود و میفرستیم بکمسیون (۱) - اصلاحی از طرف آقای آقا شیخ اسدالله بعبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که در این ماده اضافه شود سه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی با اکثریت الی آخر.

۲ - اصلاحی هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در انجمن نظارت شرط شود که حاکم از طبقات اربعه علماء تجار اعیان اصناف از هر طبقه یک نفر موافق شرایط برای انجمن نظار انتخاب میکند **رئیس** - اگر مخالفی نباشد شور در بقیه این قانون بماند برای جلسه آتی آقای آقا محمد رضا آقا میرزا رضا خان نائینی از عضویت کمسیون فواید عامه استعفاء داده اند دو نفر بجای ایشان در جلسه آتی باید انتخاب شود.

آقای بهجت هم از کمسیون عراض استعفاء داده اند از شعبه پنجم عوض ایشان باید انتخاب شود - دستور جلسه آتی هم از این قرار است - شور در بقیه قانون انتخابات کسنترات مسیو هازه راپورت کمسیون بود چه راجع به ورثه شیخعلی مقتول - مخالفی هست در دستور.

لواء الدوله - میخواستم عرض کنم که مسئله ادیب المجاهدین که در جلسه قبل لاینجل مانده است جزء دستور شود که این بیچاره آسوده شود و یکی هم مسئله میرزا عبدالعلی مجاهد است که راپورتش بهیئت رئیسه داده شده است اینها اگر زودتر بگذرد

اسباب تشویق میشود و شاید برای ملت بهتر باشد در اینموقع.

رئیس - خوب یک فقره از اینها که جزء دستور روزشبه مابقی را هم تقاضا خواهید کرد که جزء دستور آتی میشود - دیگر مخالفی نیست مخالفی نبود.

رئیس حرکت کرد و مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم گردید.

جلسه ۲۸۰

صورت مشروح جلسه یوم شنبه دهم شهر شعبان المعظم ۱۳۲۹

رئیس - آقای مؤتمن الملك سه ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس و سه ساعت قبل از ظهر مجلس را رسماً افتتاح فرمودند.

آقا میرزا ابراهیم خان جلسه صورت قبل را قرائت کردند.

اسامی غائبین جلسه قبل از قرار ذیل قرائت شد - غائبین بدون اجازه - آقایان حاج آقا -

معاضد السلطنه - دکتر اسمعیل خان - حاج امام جمعه دکتر لقمان - غائبین با اجازه آقایان طباطبائی - آقا محمد بروجردی - مریم آقای مرتضی قلیخان آقایانیکه بعد از وقت مقرر حاضر شدند آقای اسدالله خان کردستانی یکساعت و نیم - دکتر امیرخان یکساعت و بیست دقیقه - آقایان مشیرحضور حاج شیخ اسدالله - ناصر الاسلام - آقا میرزا علی اکبر جان هریک نیمساعت - آقای آقا میرزا ابراهیم ۳۵ دقیقه آقای دکتر سعیدالاطباء ۴۰ دقیقه آقای میرزایانس ۵۰ دقیقه.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ (اظهاری نشد).

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد چند فقره تلگرافات تنفraz ولایات و ایالات رسیده است اسامی آنها قرائت می شود (اسامی به ترتیب ذیل قرائت شد).

از انجمن ایالتی تبریز - از شیراز نظام السلطنه شیخ ذکریا - انجمن ایالتی فارس - از ناصری رئیس عدلیه و رئیس نظمیه عربستان و چند نفر دیگر از رشت - انجمن ولایتی - تجار و اعیان و اصناف میرزا حسینخان کسائی از اصفهان - آقای سردار آشجمالی - انجمن ولایتی از قزوین - اعیان و علماء و تجار - انجمن ولایتی از یزد علماء و اعیان - انجمن ولایتی هیئت مؤتلفه تجار و غیره از قم انجمن ولایتی - متولی باشی از کرمان سردار نصرت انجمن ایالتی انجمن خیرخواهان علماء تجار کسبه از عراق اعیان تجار و غیره از اسلامبول انجمن سعادت جمعیت معاونت.

رئیس - شروع میشود بشور قانون انتخابات از ماده یازده (ماده ۱۱ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - در شهرهای بزرگ بجهت دادن تعرفه انجمن نظارت میتواند در هر محله شعبه جداگانه تشکیل نماید مرکب از کدخدایان و پنج نفر از معتمدین محل

حاج سید ابراهیم - بنده چنانچه عرض کردم چهار نفر از طبقات علماء و تجار و اعیان و اصناف برای نظارت معین شوند کافی است و بهتر است و پنج نفر زیاد است چهار نفر باین ترتیب باشد بهتر است.

افتخار الواعظین - اینجا مینویسد مگر کب از کد خدا و پنجفر از متعدين محل بنده عرض میکنم قیدمحل قیدی است که اسباب تضییق خواهد شد باید نوشته شود پنجفر از متعدين شاید معتمدین از اشخاصی باشند که در آنجمله مسکن نداشته باشند در محله دیگر ساکن باشند آن وقت با این قید اهالی محل میتوانند از وجود آن اشخاصیکه آن ها محل وثوق و اعتمادشان هستند استفاده کنند این قید دست و پای آن ها را مینندد و تضییق میکند اگر معتمدین را بطور اطلاق و امیکداشته بهتر بود

ذکاء الملک - مخیر کمیسیون انتخابات - متعدين محل هم نوشته شده است تصریح ندارد که از اهل آن محله باید باشد همینقدر باید از نزد اهل محله معتمد باشند .

بجهت - در ماده بعد مینویسد که انجمن نظارت بر دو قسم است یکی انجمن های مرکز و دیگر انجمن های جزء تابع مرکز دیگر تکالیف و وظائف را معین نکرده است که انجمن های جزء تابع مرکز حدود وظائفشان تا کجا است اینجا باید توضیح شود که این شعبه تا کجا تکالیف و وظائف دارد فقط برای ترفه دادن است یا حق استخراج آراء هم دارد شاید چنین تصور شود که در موقعی که ترتیب استخراج آراء را خواهد گفت آن جا معترض این مسئله باید بشود لکن اینطور نیست جای تعرض باین مسئله همین جا است که باید بسکوئیم انجمن نظارت جزء شعبه است از انجمن نظارت مرکز و این انجمن نظارت جزء وظیفه اش فلان و فلان است در همین جا بایستی وظیفه اش را معین کنیم که تا چه اندازه تکالیف خواهد داشت تکالیف را باید اینجا معین کنیم تا اسباب اشکال نشود

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است .)

رئیس - اصلاحی است از آقای حاج شیخ علی خواننده میشود کمیسیون ارجاع میشود (بمبارت ذیل قرائت شد .)

در حوزة های انتخابیه بجهت سهولت انتخابات ممکن است انجمن نظارت شعب جداگانه تشکیل نماید الی آخر .

ماده ۱۲ - انجمنهای نظارت بر دو قسمند یکی انجمنهای مرکزی دیگری انجمن های جزء تابع مرکز .

انجمنهای نظارت مرکزی علاوه بر نظارت در استخراج آراء انتخاب محل در تعیین نتیجه آراء نقاط جزء حوزة های مشترکه در انتخاب نیز نظارت دارند .

حاج شیخ اسدالله - انجمنهای نظارت را اینجا بر دو قسم کرده است یکی انجمن نظارت مرکزی و یکی انجمنهای جزء ولی انجمنهای جزء را درست تشریح نمیکند که مراد از انجمن های جزء چه انجمنی است بعد از اینکه ما انتخابات را مستقیم رأی دادیم این را هم نباید فراموش بکنیم که تمام اهالی حق رأی دادن دارند و انجمن را اگر منحصر بر مرکز قرار دادیم و بعضی ولایات منظم از قبیل اردبیل که حق تعیین وکیل دارد بنظر بنده این انجمن های جزء همان انجمنها را میگوید مثلا انجمن مرکزی انجمن

که آن قدرها وسعت ندارد تنها يك انجمن نظارت دارد و آن حوزة هائیکه خیلی وسعت دارد و مردم نمیتوانند در يك نقطه آراء خودشان را بدهند آنجا دارای انجمن های نظارت جزء هم خواهد بود که پس از آنکه مردم آراء خودشان را در آنجا دادند نتیجه بانجمن نظارت مرکزی فرستاده میشود و در نقاط دیگر هم معین شده است که هر گاه در انجمن های جزء مردم آمدند و رأی دادند و صورتشرا بانجمن های کل فرستادند فها و الا اگر نیامدند و رأی ندادند و بعضی از انجمن ها بوظیفه و تکلیف خودشان عمل نکردند آن وقت حق آن ها سلب خواهد شد و دیگر تقصیر با انجمن کل نخواهد بود انجمن کل هم از آن انجمن جزء صرف نظر خواهد کرد و بهمان آرائی که گرفته شده اکتفا کرده و کیلشان را معین خواهد کرد بنابراین ترتیبی را که آقای حاج شیخ اسدالله می فرمایند پیش بینی شده است و گمان میکنم که حاجت باصلاح نباشد .

ذکاء الملک - تمام این مطالبی که آقای حاج شیخ سدا الله فرمودند در کمیسیون پیش بینی شده است در حوزة های انتخابیه همینطور که فرمودند بسیار از اوقات اتفاق می افتد با وجود اینکه ما حتی الامکان حوزة ها را کوچک قرار میدهم که حوزة ها باز بقدری وسعت دارد که تمام اهالی آن حوزة نمیتوانند بیایند در يك نقطه رأی بدهند بنا براین ما مجبور میشویم که انجمن نظارت جزء هم در بعضی نقاط آن حوزة تشکیل بدیم که تمام اهالی بیایند رأی بدهند حالا از برای این مسئله دو قسم میتوان رفتار کرد يك قسم اینست که انجمن مرکزی قرار بدهند و اختیار بدهند بآن انجمن نظارت مرکزی که در هر نقطه لازم و صلاح میدانند يك انجمن نظارت جزء تشکیل بدهد در کمیسیون پیش بینی ما یکقدر هم از این بالا رفت که گفتیم احتمال می رود که اگر واگذار کنیم بانجمن نظارت مرکزی که بمصلحت خودشان هر جا لازم داشته باشند انجمن نظارت جزء تشکیل بدهند شاید کار سهولت جریان پیدا بکند و سرعت واقع بشود و در بعضی ولایات دوردست که اطلاعات لازم از امور انتخاب ندارند بخوبی میتوانند از عهده این کار بر آیند و ندانند چه باید کرد و باین جهت از حق انتخاب بواسطه عدم اطلاع کامل محروم بمانند در این صورت گفتیم حتی الامکان تا آنجائیکه برای ما ممکن است يك قدری کار انجمن های نظارت مرکزی را هم ما بکنیم یعنی شعب جزه را هم ما معین بکنیم که در حوزة های انتخابیه علاوه بر انجمن نظارت مرکزی از چند نقطه از نقاط جزه هم انجمن نظارت جزء باید تعیین و تشکیل شود که شعبه های انجمن نظارت مرکزی خواهند بود تا سهولت اهالی بتوانند رأی بدهند و در چند ماده این مسئله اشاره شده است یکی در ماده هشت که نوشته شده بوده در هر حوزة انتخابیه در يك یا چند نقطه مطابق صورتیکه در جدول منضمه باین قانون معین شده حکومت هر نقطه انجمنی باسم انجمن نظارت موقتا تشکیل میدهد که مرآب و مسئول صحت انتخابات باشند اینک نوشته شده در يك یا چند نقطه نظریاتی دارد که اگر يك نقطه کفایت میکند یعنی اگر حوزة انتخابیه آنقدر وسعت ندارد که محتاج بچند نقطه باشند و مردم میتوانند بیایند در یکجا رأی بدهند که اکتفا بهمان يك انجمن نظارت میشود و اگر حوزة انتخابیه وسعت دارد بقدریکه مقدور است که مردم بیایند در يك نقطه آراء خودشان را بدهند آن وقت معلومست در چند نقطه انجمن نظارت جزء معین میکنند و در همین ماده که مطرح و محل گفتگوست نیز میگوید انجمن بر دو قسم است یکی انجمن نظارت مرکزی یکی انجمن نظارت جزء تابع مرکز حالا آن نقاطی

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟ (اغلب اظهار کردند کافی است) .

رئیس - ماده سیزدهم را بخوانید (بمبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۱۳ - انجمن نظارت از میان اعضاء خود يك یادونفر منشی انتخاب مینماید .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) .

رئیس - ماده ۱۴ خوانده میشود .

ماده ۱۴ - انجمن نظارت دو هفته بعد از انجام انتخابات متفرق میشوند لکن انجمن های نظارت مرکزی برای تعیین نماینده حوزة های انتخابیه تابعه خودشان عنداللزوم تشکیل خواهند شد .

رئیس - مخالفی نیست ؟ ماده ۱۵ را بخوانید (بمبارت ذیل قرائت شد) .

فصل پنجم - طریقه انتخابات

ماده ۱۵ - انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی در کلیه مملکت ایران بطور يك درجه و مستقیم است .

رئیس - مخالفی نیست ماده ۱۶ را بخوانید (بمبارت ذیل خوانده شد) .

ماده ۱۶ - در مجلهائی که موافق تقسیم قانون انتخابات حق انتخاب یک نفر نماینده دارند بان انتخاب فردی عمل میشود و در مجلهائی که بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب نمایند بان انتخاب جمعی خواهد بود توضیح - مراد از انتخاب جمعی آن که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقة رأی بدهد مجموعه انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص مینویسند مراد از انتخاب فردی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقة رأی اسم يك شخصی را مینویسند

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - ماده ۱۷ را بخوانید (بمبارت ذیل خوانده شد) .

ماده ۱۷ - انتخاب نمایندگان با کثرت نسبی خواهد بود .

رئیس - مخالفی در این ماده نیست ؟ لسان الحکماء - بنده گمان میکنم که تمام مواد قانون انتخابات مقدمه است برای دو ماده یکی

ماده ۱۵ که گذشت و یکی همین ماده (۱۷) که قرائت شد اولاً باید دانست که در تمام مواد قانون این مسئله را باید اهمیت داد که حدود قانون محفوظ باشد و انتخاب نمایندگان که با کثرت نسبی خواهد بود این هیچ محفوظ نیست بنده گمان میکنم آن تنقیداتی که در دوره گذشته میکردند و حق داشتند که يك نماینده بقتاد رأی انتخاب شده است امروز هم با این ترتیب ماده باز تنقید بکنند و حق دارند بجهت اینکه آن روزی که رأی دادیم در انتخاب يك درجه و مستقیم یعنی انتخاب مستقیم در تمام قوانین عالم محفوظ است با شرایط مقرر قانونی و بنده بهیچ وجه من الوجوه نمی بینم که آن شرایط در این هزار نفر یک نفر نماینده باید انتخاب شود مثلا در طهران که باینخت و مرکز تمدن است از پنجاه هزار نفر هشت هزار نفر تفرقه گرفته شد شش هزار نفر رأی دادند آیا در بلوچستان ممکن نیست که از پنجاه هزار نفر تفرقه بگیرند آیا ممکن نیست از آن هفتاد نفر بیست و پنج نفر رأی بدهند یا یک نفر اگر بخواند ممکن نیست که بچند رأی انتخاب بشود این انتخاب مستقیم است ؟ این انتخاب یکدرجه است خیر هیچ قانونی اجازه نمیده که آنطور بشود انتخاب مستقیم و یکدرجه در تمام قوانین دنیا يك شکل و يك شق دارد بنده آن روزی که برای انتخاب مستقیم مذاکره میشد شرایط آنرا تقدیم مجلس کردم نمایانم در کمیسیون مطرح شورش و یاخیر ولی بنده تصور میکنم آن مواد را که تقدیم کرده ام مفقود شده است یا فراموش شده باین جهت دوم تبه نوشتم و تقدیم کردم و گذشته از این ما باید بدانیم يك نماینده که اینجا می آید يك صدمه متناهی از ملت باید عقب سراو و هوا خواه او باشند گذشته از آن ما باید جدو جهد بکنیم که مردم را بحقوق خودشان آگاه کنیم یققراری چنانچه سایر ممالک متقدمه گذاشتند برای قوانین خودمان بگذاریم که مردم بحقوق خودشان آگاه شوند که وقتی يك وهنی برای مجلس روی میدهد تمام مردم بيك صدا فریاد کنند حامی آن مجلس باشند نگه دار آن نماینده باشند پس بنده تکرار میکنم که انتخاب مستقیم در تمام دنیا بيك نسق است و آن مواد را اینجا تقدیم کردم چند ماده است که آقای رئیس امر بقرائش فرمایند بعد بکمیسیون رجوع فرمایند که این اکثریت نسبی چون قدر از آن انتخاب دو درجه است و بنده می بینم که باین ترتیب نماینده کافی خواهید داشت که بان انتخاب هفت یا نه نفر مبالغه نمیکند و اغراق عرض نمیکند بان انتخاب چهل نفر پنجاه نفر اینجا خواهید داشت .

حاج آقا - فرمایشات آقای لسان الحکماء تمام صحیح است ولی نوشتن این ماده که انتخاب نمایندگان با کثرت نسبی است باعث آن معاذیریکه فرمودند نمیشود سبب اینکه آن محظوریکه فرمودند فقط عدم اعتناء خود مردم بحقوق انتخابیه خودشان است یعنی اگر مردم ملتفت باشند که موقع انتخابات موقعی است که ملت باید از حقوق خودش استفاده کنند در موقع انتخابات برود ورقة بگیرند آن کسیکه اطمینان دارد رأی بدهد آن محظور دیگر وارد

رئیس - مقصود همین است ؟ لسان الحکماء - باید تمام مواد را بخوانند تا معلوم شود چون تمام مربوط بيك دیگر است و تمام راجع بان انتخاب مستقیم است

رئیس - ولی ماده ۱۷ همین ترتیبی که خوانده شد مقصود همین بود .

لسان الحکماء - بله لواء الدوله - این را که شاهزاده لسان الحکماء عنوان فرمودند گمان میکنم دیده باشم در کمره تقریباً ۶۰ هزار نفر جمعیت دارد از میان ۶۰

نمی آید ولی اگر بنا شد ملت بحقوق خودش بی نبرده باشد یا در موقع انتخاب بی اعتنائی بحقوق خودشان نکنند و همان هم سبب این شد که بعضی اعتقادشان این شد که انتخاب دو درجه باید در مملکت باشد اگر اینطور شد البته بدیهی است چه ما بنویسیم که انتخاب و کلاه اکثریت نسبی هست چه بنویسیم با کثرت تمام است آن محظور واقع میشود بجهت اینکه در بلوچستان همان مثالی که فرمودند حق یک نفر یادونفر نماینده دارند در موقع انتخاب فرض بفرمائید که نوشتیم انتخاب نمایندگان با کثرت نام است آنوقت در موقع انتخاب اگر بنا شد که از این صد هزار نفر که حق انتخاب دارند ۵۰ نفر بیشتر نیابند ورقة تفرقه بگیرند بواسطه بی اعتنائی بحقوق خودشان و از آن ۵۰ نفر ۲۶ نفر در حق یکی رأی دادند البته این انتخاب اکثریت تامه است و آنوقت وکیل به ۲۶ رأی انتخاب شده همان محظوری که در نظرشان است همان محظور وارد است البته اگر وکیل بهمان طوریکه در نظر ایشان است محل اطمینان مولکین خودشان باشند آن مقام نمایندگی و فلسفه نزدیک تر است و این محظوری که راجع بان بنده است و این ترتیبی که نوشته شده است فقط راجع با اطلاع در حقوق خودشان است و عدم اطلاع و رعایت استفاده از انتخاب و عدم رعایت استفاده از انتخاب است .

اگر ما بخواهیم که این محاضر بکلی رفع بشود و نمایندگان بکسی و کالت می نشینند و از طرف ملت رأی میدهند کسانی باشند که انفاست ملت و اطمینان ملت عقب سر آنها باشد و با کثرت باشد باید سعی کنیم که در موقع انتخاب ملت ملتت بحقوق خودشان شده بیایند و تفرقه بگیرند و رأی بدهند و در آن زمینه ما باید با کثرت نسبی عمل کنیم بخصوص اگر عموماً آمدند و ورقة گرفتند آنوقت رعایت اکثریت تمام ممکن نیست زیرا خیلی اسباب اشکال و زحمت میشود اگر آمدند تفرقه گرفته هیچ محظور ندارد که بنویسیم با کثرت نسبی باشد بسی کسانی که در این مقام هستند و و کلاهی ملت هستند باید سعی کنند که ملت در موقع انتخاب استفاده از حقوق خودشان بکنند

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) .

رئیس - اصلاحات آقای لسان الحکماء اگر خوانده میشد این محظور را تیکه آقای حاج آقا فرمودند رفع میشد این است قرائت میشود ماده الحاقیه است بماده ۱۷ (اصلاحات مزبور بمبارت ذیل قرائت شد) مواد الحاقیه بجای ماده ۱۷ اینطور نوشته شده ماده ۱۷ اقلا پنجاه يك جمعیتی که حق انتخاب نماینده دارند باید تفرقه بگیرند

رئیس - مقصود همین است ؟

لسان الحکماء - باید تمام مواد را بخوانند تا معلوم شود چون تمام مربوط بيك دیگر است و تمام راجع بان انتخاب مستقیم است

رئیس - ولی ماده ۱۷ همین ترتیبی که خوانده شد مقصود همین بود .

لسان الحکماء - بله لواء الدوله - این را که شاهزاده لسان الحکماء عنوان فرمودند گمان میکنم دیده باشم در کمره تقریباً ۶۰ هزار نفر جمعیت دارد از میان ۶۰

هزار نفر ۱۳۰ نفر ورقه تفرقه گرفتند از میان آن ۱۳۰ نفر تقریباً ۸۰ نفر رأی دادند و اول کسیکه انتخاب شد به ۲۲ رأی انتخاب شد و در ۲۲ رأی همه قسم قلب ممکن است بکنند و برای خودش یارتی درست میکنند ولی در ۳۰۰ رأی و ۴۰۰ رأی خیلی اشکال دارد و امروز ترتیب انتخاب دو مرتبه با اکثریت تام باشد و مرتبه ۳ با اکثریت نسبی اگر غیر از این باشد حقوق جمعی ضایع خواهد شد

ذکاء الملک - اساساً این را کمتر کسی شاید منکر باشد که انتخاب نمایندگان خوبست با اکثریت تام باشد و مسلم است که اکثریت بهتر است آن دلائلی که گفته شد کافی است ولی این که کمیسیون با اکثریت نسبی قرارداد داده است فقط نظر باین بوده است که به بینیم که اکثریت تام قرارداد بهیم چه نتیجه خواهد داشت در این مملکت که اسباب نشر اخبار و اطلاعات خیلی کم است و وسائل نشر احکام خیلی ضعیف و مشکل است و مردم در امور سیاسی تازه کارند بخصوص در بعضی از قصبات و بلوکات که درست بکفایت انتخاب بی نبرده اند اگر اکثریت تام اینجا قرار بدیم کار چقدر مشکل خواهد شد در صورتی که می دانم غالباً اتفاق می افتد که در انتخاب مرتبه اول اکثریت تام حاصل نشود یقیناً محتاج می شویم که دو مرتبه انتخاب تجدید کنیم و شاید باز اکثریت تمام حاصل نشود و با آن ترتیبی که میدانند که شاید در بعضی نقاط نتوان بپرد فهمانید که برای چه تجدید انتخابات میشود و چرا دوباره باید بیابند رأی بدهند تصور بفرمائید چقدر اشکال خواهد داشت که دو مرتبه آنها را حاضر کنیم از برای دادن رأی و یکمرتبه دیگر چطور بآنها مطلب را حالی کنیم در صورتیکه در دفعه نانی هم ظن غالب اینست که اکثریت تمام حاصل نشود و محتاج بشویم بمرتبه ثالث ما تصور کردیم که در واقع نتیجه این ترتیب این میشود که انتخابات بعمل نیامده که اسباب تاخیر انتخابات میشود اگر این محظورات را در نظر نداشتیم البته مدار را بر اکثریت تامه قرار میدادیم چنانچه فرمودند در اغلب جاها همین طوارست دفعه اول با اکثریت تام است دفعه نانی هم با اکثریت تام است اگر در دو مرتبه حاصل نشد در ثالث با اکثریت نسبی اکتفا میکنند ولی ما در اینجا نظر کردیم دیدیم که مردم در ترتیب سیاسی بصیر نیستند و در انتخابات تازه کارند ولی جاهای دیگر مسئله انتخابات را میدانند اشخاص را در نظر دارند که هر کس مکرر در عمر خودش انتخاب کرده است انتخاب دیده است نمایندگان سابق را میدانند نمایندگان لاحق را در نظر دارند و معطلی ندارند مثلاً اینجا ملاحظه فرموده اند که تا ۵ روز بپرد مهلت داده ایم که بیابند رأی بدهند ولی در خارج رسماً کدر یک روز تمام رأیهای های خودشان را باید بدهند و انتخابات یکروزه تمام شود و فردا هم بواسطه اعلان در روزنامهجات همه بفهمند که نتیجه انتخابات دیروز چه شد چندانفر انتخاب شدند و آنها هم که اکثریت تام پیدا نکردند چه اشخاصی بودند و هر یک چند رأی داشتند و دولت هم فوری بپرد در کمال سهولت اطلاع میدهند که مثلاً شما که پنج نفر خواستید انتخاب کنید برای

دو نفر اکثریت تمام حاصل شد و برای سه نفر اکثریت تام حاصل نشد باید بیابید تجدید رأی بکنید و همه مردم فوراً تکلیف خود را میفهمند و همینکه دولت روز تجدید انتخاب را معین کرد فوراً تمام مردم حاضر میشوند و میروند رأی میدهند اما در اینجا تصور بکنید که چه اندازه زحمت خواهد داشت کدر قصبات و دهات اینجا این امر را معمول بداریم علی الخصوص باین ترتیب است که هست و مداند خیلی مشکل است و مقصود اینست که اگر بخواهند آقایان بما بفهمانند که اکثریت تام خوب است میدانیم و حاجت به بیان نیست لکن اینرا هم تصدیق داریم که این رایورت کمیسیون معجزا نوشته شده است و بعضی نواقص دارد و اگر اعضای کمیسیون متمایل بودند که اکثریت نسبی را مطلق و غیر محدود قرار بدهند و بگویند که منتخب کسی است که مثلاً لاقول دارای ربع آراء رأی دهندگان بوده باشد و این را بنده تصدیق میکنم که چنین حدی قرارداد بهتر از اینست که اکثریت نسبی مطلق باشد اما تصور میکنم که اگر بخواهیم مقید بشویم که مثل همه جای عالم اکثریت تام قرار بدیم موفق بانخابات نخواهیم شد یا آنکه انتخابات بی اندازه بتأخیر خواهد افتاد و برای اینکه مذاکره مختصر بشود عرض میکنم این ماده را دو مرتبه در کمیسیون نظر میکنیم و اگر دیدیم که اکثریت تام محظوری ندارد اکثریت تام قرار میدهیم والا یک حدی از برای اکثریت نسبی قرار میدهیم.

رئیس - تقاضا میکنید برگردد بکمیسیون؟

ذکاء الملک (متجرب) - بله.

رئیس - ماده ۱۸ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۸ - در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر عده که محل حاجت باشد بحکم قرعه معین میشود.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد).

ماده ۱۹ - ایالات عده موافق حوزه بندی های قانون انتخابات هر کدام یک نماینده مستقیماً بصوت مجلس شورای ملی میفرستند.

حاج سید ابراهیم - بنده با این ماده بکلی مخالفم که ایالات عده که فقط از حیث اهمیت حق یک نماینده بدیم و بگوئیم که آنها مستقلاً بکنند بصوت مجلس شورای ملی میفرستند بجهت اینکه به تجربه معلوم کردیم از ترتیب انتخابات باید خود افراد استفاده کنند در ایالات این ترتیب فراهم نیست فقط اشخاصیکه میآیند بمجلس از طرف بعضی از رؤسا میآیند حق ملت اداشده است و هم استفاده از آنها میشود عقیده بنده این است که اینجا باید ملحق کرد ایالات را بآن خاکی که اختصاص بخودشان دارد که در تابستان در آنجا سکنی میکنند و باید اسم آن نقاط را به بریم که هم آنها میل بسکنای آنها بکنند و هم مثل اشخاصیکه آنجا هستند یک حق داشته باشند فقط با اسم ایلی بودن البته منافی باتمدن و سکنی گرفتن است و اگر این ترتیب را در این قرار بدیم البته تشویق کرده ایم حال امنیت را تشویق بتمدن و سکنی کردن نکرده ایم چون در این نقاط کدر این قانون ذکر شده بود هر کدام یک جمع در یک خاکی دارند و میشود آن خاک را که عده اش از چهار هزار و پنجاه هزار بیشتر است که با آن ایلی دیگر

صد هزار نفر میشوند اسم برده شود خیلی بهتر است و بعقیده بنده باید این ماده بکلی از اینجا برداشته شود.

ذکاء الملک - در خصوص حوزه بندی و تقسیم آن و داخل کردن ایالات را در آنجاها که هستند بنده داخل مذاکره نمی شوم در حوزه بندی مذاکره خواهم کرد که به چه ترتیب باید باشد اما اینکه میفرمائید که ایالات مستقلاً لازم نیست که در مجلس نماینده باشد و باید جزء سایر مردم رأی بدهند گمان میکنم که این مسئله هنوز موعض نرسیده و بهتر این است که هر کدام از ایالات رسماً بکنند نماینده از طرف خودشان داشته باشند و این ترتیب فوایدی داردی که همه میدانند نمیتوانیم از آن صرف نظر بکنیم البته ترتیب صحیح این است که در موقع انتخابات ملاحظه طبقه و صنف و طایفه و ایل نشود و عموم مردم یکسان در اینکار شریک باشند و یکمرتبه بیابند رأی بدهند ولی در مملکت ما هنوز بعضی اقتضات هست که لازمه اش اینست که رعایت طایفه و ایل را بکنیم.

آقا سید حسین اردبیلی - بنده هم نظر بمقتضی امروزه است که این ماده را مخالف هستم بواسطه اینکه اگر کیفیت امنیت را ملاحظه کنیم خیلی ایالات در نقاط ایران هستند و در غالب ایالات ایران چندین ایل سکنی دارند اگر ما بیابیم به تفصیل و تجربه فائل شویم و نسبت به بعضی از ایالات اهمیت بدیم و نسبت به بعضی دیگر اهمیت ندهیم و بگوئیم که باید از فلان ایل نماینده مخصوصی حاضر بشود این خودش باعث این میشود که جمعی کثیر از آنها میرنجند و حقوق آنها ضایع میشود و اگر بخواهیم بطور عموم قائل بشویم که عموم ایالات نماینده

مخصوصی بفرستند میبینیم ده پانزده ایل معظم هست و هر کدام آنها باید بکنند و کیل بفرستند و این نشود اینست که بنده هم موافق هستم باین عقیده که حدودیکه ایالات هستند از یک نقطه تا نقطه دیگر باید آنجاها را یک حوزه تشکیل داد و آنها را هم دعوت کرد بانخابات و سعی نمود و حالی کرد بآنها که بیابند از حقوق خودشان استفاده نمایند و انتخاب کنند منتهی در ضمن انتخاب این حوزه ها مصادف میشویم بآنکه در چند حوزه ایلاتیکه اکثریت دارند چند نفر با اکثریت آراء انتخاب شده بعنوان نمایندگان ایل حاضر خواهد شد یعنی در واقع نماینده ایالات خواهیم داشت بدون اینکه تجزیه و تفکیک کرده باشیم بین آنها و اگر اینرا انحصار بدیم به بعضی ایالات از قبیل ایل شاهسون یا تارا که یا قشاقی یا بختیاری آنوقت سایر ایلاتیکه هستند آنها هم بعضی هایشان اهمیت دارند از انتخاب محروم میشوند و حقوقشان تضییع میشود ولی آنطوریکه بنده عرض کردم کدر آن حدودیکه آنها هستند یک حوزه تشکیل بشود در اینطورت هم آنها از حقوق خودشان استفاده خواهند کرد و هم مجلس شورای ملی صاحب نمایندگان ایالات خواهند بود.

حاج وکیل الرعایا - برعکس نظرانی که برای ایالات و عشایر مذاکره شد که نماینده آنها مستقیم نباشد بنده تماماً را رد میکنم و عرض میکنم که امروز بخصوص تا چنددی دیگر برای ما لازمست که در هر یک از ایالات نماینده مستقیمی در اینجا داشته

باشیم و آنچه را که سبب گرفتند برای نداشتن نماینده مستقیم از ایالات که بنده نمیخواهم بزبان بیآورم بنده میتوانم بآوردن نماینده آنها در مجلس تکمیل بکنیم و آنها را خانه نشین بکنیم و می توانیم آنها را دارای تمدن و شهری بکنیم کدر این مملکت هر یک از آنها دارای خانه ها باشند و بنده گمان میکنم که نباید در اینموقع آنقدر خورده بینی کرد و به بعضی ایلاتیکه صد هزار نفر هم نیستند بآنها هم باید نماینده داد تا اتفاق کلی حاصل شود و بدانند که نتیجه مذاکرات مجلس هم اش بخود آنها عاید میشود و اینها هم که اینجا نشسته اند غیر از مصالح آنها چیز دیگری را در نظر نگرفته اند و آنها را هم بی خبر نگذاریم از مصلحت خودشان چنانچه امروزه یک قدری تخفیف شده است و چون آن دو ماده اول نگذشته است و هنوز عده نمایندگان معلوم نیست اگر آن مذاکره شده بود بند مسلماً این را بایک توضیحات مفصلی عرض میکردم که هر کدامشان که معرفت دارند ولو اینکه صد هزار نفر هم نیستند باید یک نماینده بآنها داد و نماینده آنها را آورد اینجا تا مصالح خودشان را بدانند و بجمع منافع خودشان آگاه شوند و بایک اتحاد آنها هم با ما کار بکنند.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی نیست (گفتند کافی است) (ماده ۲۰ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۰ - در یک حوزه انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه در مدت معین بعضی از آن نقاط انتخاب خود را بعمل بیاورند حق انتخاب آنها ساقط میشود و انتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبر است.

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که اینجا یک لفظی اقتاده است و آن اینست که در مدت معینه که از طرف مرکز حوزه هدین طور مجهم نگذارند این را باید حوزه معین بکنند.

ذکاء الملک - در موقع شورانی اصلاح میشود **رئیس** - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر) (ماده ۲۱ بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده ۲۱ - هر یک از انتخاب کنندگان زیاد بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود.

رئیس - در ماده ۲۱ مخالفی نیست؟ (گفتند خیر) (ماده ۲۲ بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده ۲۲ - انتخاب کنندگان مجبور نیستند حتماً از ساکنین محل خود انتخاب کنند.

رئیس - در ماده ۲۲ مخالفی هست (گفتند خیر) پیشنهاد الحاقیه آقای مدرس بماده ۲۲ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که بماده ۲۲ الحاق شود و لکن باید لاقول دو سال در حوزه انتخابیه خود توقف نموده باشند که بصیرت تامه باوضاع آنجا داشته باشند.

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون - (ماده ۲۳ بعبارت ذیل قرائت شد) فصل ۶ کیفیت دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان.

ماده ۲۳ - انجمن نظارت اعلان مراتب نموده بنسبست اهمیت محل از پنجروز الی یکماه قبل از موعد انتخاب اشاعه میدهد.

حاج سید ابراهیم - يك كلمه خوبست اضافه شود از پنجروز الی یکماه به تعیین انجمن نظارت باید مدت را انجمن معین کند.

ذکاء الملک - معلوم است که انجمن نظارت اعلان را مرتب میکند و همین طور نوشته شده است.

بهجت - در یکی از مواد سابق مذاکره شد که نقاطی که در یک حوزه انتخابیه هستند که شراکت در انتخاب دارند اگر یکی از نقاط مسامحه کرد و در این مدتیکه معین شده است عمل انتخابات خودش را بجا نیاورد از این انتخابات محروم است حالا اینجا میگوید انجمن نظارت اعلان و تعیین میکند برای اهل محل که یکماه قبل از موعد حاضر شوند و تعرفه بگیرند این انجمن نظارتی که اینجا ذکر میشود مقصود انجمن نظارت مرکز است یا انجمن نظارت جزء است اگر انجمن نظارت مرکز باشد باید قید بشود بعلم اینکه ممکن است در یک محل حکومت بالکلیه انجمن نظارت آنجا را تشکیل ندهند انجمن های نظارت جزء اگر تکلیف خودشان را در مدت يك ماه بجا نیاورند چه میشود آن اعلان را کی میکند انجمن نظارت هم که هنوز تشکیل نشده است اهل آن محل هم که تصمیم ندارند پس عقیده بنده این است که باید قید بشود که اعلان انتخابات در دو نقطه شروع میشود یکی از انجمن نظارت مرکز که تمام انجمن های جزء اطلاع می دهد که باید شروع بکنند با انتخابات آن وقت حکومت آن محل بموجب آن اعلانی که انجمن نظارت مرکز داده است شروع میکنند به تعیین انجمنهای نظار جزء انجمنهای نظارت جزء تشکیل شد يك اعلانی میکند برای اهل محل والا با این شکل که ما می نویسیم تکالیف نقاط جزء هیچ معلوم نمیشود و ممکن است از انتخابات محروم بمانند.

ذکاء الملک - این راجع باینست که توضیح شود که مقصود کدام انجمن نظارت است و این توضیح را خواهیم کرد.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر) (ماده ۲۴ بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده ۲۴ - اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود (۱) شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان (۲) محل و اوقاتی را که انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهد داد (۳) مکان و زمانیکه انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود (۴) عده نمایندگان را که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند.

رئیس - در ماده ۲۴ مخالفی هست (مخالفی نیست ماده ۲۵ خوانده میشود) (بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۵ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند در آن انتخابات حق آنها ساقط است.

رئیس - در ماده ۲۵ ایرادی هست؟ **بهجت** - فقط باید اصلاح شود بانخابات بجهت اینکه شاید در بعضی نقاط محتاج شویم و این لفظ شامل آن ها میشود باینجهت باید بگوئیم با انتخابات.

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست؟ (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود ماده ۲۶ بعبارت ذیل خوانده شد) ماده ۲۶ - تعرفه که بان انتخاب کنندگان داده میشود مخصوص فقرات ذیل خواهد بود (۱) نمره و تاریخ (۲) اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او (۳) شغل و منزل او (۴) زمان و مکانیکه دارنده تعرفه باید حاضر شده و رأی خود را بدهد (۵) ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب (۶) مهر یا امضاء اعضای انجمن نظارت.

رئیس - در ماده ۲۶ مخالفی هست و کسی مخالف نیست ماده ۲۷ خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) ماده (۲۷) انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه ها را که میدهد بترتیب نمره در کتابچه مخصوص ثبت خواهد کرد.

رئیس - ماده بیست و هفتم مخالفی ندارد (اظهار شد خیر) (ماده ۲۸ بعبارت ذیل قرائت شد) فصل نهم در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخاب شدگان ماده (۲۸) بنسبست اهمیت محل مدت اخذ رأی از يك الی پنج روز خواهد بود یعنی انجمن نظارت و پس از انقضای موعدهای که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین میکند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد کرد.

حاج آقا - چون تمام آقایان میدانند که اشخاصیکه تعرفه گرفته اند از آن زمانیکه معین شده است برای گرفتن تعرفه بجهت دادن رأی غالباً دیده اند که هم در آن زمان مردم کمتر میآیند و تعرفه میگرفتند و هم در موقع دادن رأی چون ما مقصودمان این است که همه مردم حقوق خودشان را استفاده کنند باینجهت بنده خواهش میکنم که کمیسیون مدت این را قدری زیاد تر بکنند بجهت اینکه مدت کم است و اشخاصیکه میآیند تعرفه می گیرند در موقع رأی دادن کمتر میآیند رأی بدهند و برای این که کسانی که تعرفه گرفته اند بتوانند حاضر شوند و رأی بدهند کمیسیون قدری زمانش را امتداد بدهد بهتر است.

رئیس - کتبایشهاد کنید بفرستید قرائت میشود و بکمیسیون فرستاده میشود.

افخار الواعظیه - گویا اشخاصیکه تعرفه گرفته باشند برای رأی دادن خودشان پنج روز کافی باشد و اینکه آقای حاج آقا فرمودند مربوط است با اطلاع یا عدم اطلاع مردم بحقوق خودشان والا اگر کسی کاملاً ح خودش را بداند و تعرفه گرفته باشد در عرض پنج روزی که معین شده است البته بانجمن نظار خواهد آمد و ورقه رأی خواهد داد.

رئیس - گویا مذاکره در اینباب کافی باشد (گفتند کافی است) (ماده ۲۹ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده (۲۹) دادن رأی باید مخفی باشد و از اینجهت باید دارنده تعرفه قبل از دخول بمحل انتخاب اسم یک یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی نشان نوشته لوله کرده با خود داشته باشد.

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده (۳۰) پس از حضور اعضاء انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع بگرفتن ورقه رای رئیس انجمن نظارت جمعا که برای ضبط اوراق معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را مینمایاند .

رئیس - مخالفی نیست در این ماده (مخالفی نبود) ماده (۳۱) عبارت ذیل قرائت شد . ماده (۳۱) هر يك از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه ورقه رای خود را یکی از اعضاء که برای اینکار معین شده اند میدهد .

رئیس - البته ایرادی نیست در این ماده (ماده ۳۲ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۳۲- گیرنده تعرفه نمره تعرفه را بصورت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیداکرده نشان کند پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آنرا ابطال نموده بصاحبش رد مینماید و ورقه رای او را بدون نگاه کردن در جمعا انتخاب میاندازد و صاحبان تعرفه با احتیاط موادی که تجدید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه رای و پس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جای و اخلال نظم و ترتیب انتخاب بامر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهد شد .

رئیس - در ماده ۳۲ مخالفی هست (اظهار شد خیر) ماده (۳۳) بعبارت ذیل قرائت شد . ماده (۳۳) در محل هائیکه انتخاب دریکروز تمام نمیشود در ختام مجلس آن روز تمام اعضاء با احتیاط لازم در جعبه را مهر کرده روز بعد هم آن اعضاء آن را باز میکنند .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر ماده ۳۴ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده (۳۴) بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جمعا انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء می نماید .

رئیس - مخالفی هست (اظهار شد خیر) ماده ۳۵ بعبارت ذیل قرائت شد

ماده (۳۵) یکی از اعضاء اوراق انتخاب را شمرده عد آن را با عدده رای دهند گانیکه نمره تعرفه آنها در کتابچه ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق میکند در صورت زیادتی اوراق رای بعد از اوراق زائده از کلبه برداشته شده و باطل میشود و نتیجه در صورت مجلس نوشته میشود .

حاج شیخ اسدالله - در صورتیکه ورقه رای زیاد باشد معلوم میشود که تقلبی شده است حالا بعد از آنیکه این آراء را بر میدارند معلوم نیست که از آراء صحیح برداشته شده است یا آرائیکه تقلب شده است بسا هست که در اینجا يك توضیح حتی بشود برای آنکه شاید آن اوراقیکه صحیحا داده شده است برداشته شود و آن اوراقیکه تقلب از آنها شده است و زیادی داده شده است آنها بجای خود بماند و ورقه صحیح برداشته شود باید

عده آراء با عدده تعرفه مغالفت کرد و عدده آراء زیاد از عدده تعرفه شد تجدید انتخاب شود باین معنی که دوباره مشغول اخذ رای بشوند که جلوگیری از آن تقلب شود نه آنکه آراء صحیح را بواسطه تقلبی که در اینجا شده است ضایع کنند .

ذکاء الملک - ثانیا که انتخاب میکنند اگر آن تقلب واقع شد چه میکنند انتخاب چیزی نیست که بتوانیم بگوئیم که یکمرتبه دیگر که انتخاب کردند آن اتفاق نخواهد افتاد بکنفر میآید در میانه پنج هزار نفر دو ورقه را لوله کرده درهم میگذازد و میدهد این را که نمیشود جلوگیری کرد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر) ماده (۳۶) به عبارت ذیل قرائت شد) ماده ۳۶- اوراق انتخاب را یکی از اعضاء بصوت بلند يك خوانده بیک نفر دیگر از اعضاء میدهد و سه نفر دیگر از اعضاء اسامی را بر تریبی که خوانده میشود مینویسند .

رئیس - مخالفی هست در ماده ۳۶ (گفتند خیر) ماده (۳۷) بعبارت ذیل خوانده شد) ماده (۳۷) هر گاه اوراق انتخاب را زیادتر از عده معینه اسامی نوشته باشد نقص در امر انتخاب حاصل نخواهد شد در صورت اول آن عده اسامی که زیاد نوشته شده اواخر ورقه خوانده نخواهد شد .

رئیس - کسی مخالف نیست (گفتند خیر) ماده (۳۸) در اوراق رای آنچه سفید یا لایقه باشد یا آنکه صحیحا معرفی انتخاب شده را نکنند یا امضای انتخاب کنند را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد شد و لسی عینا ضمیمه صورت مجلس میشود

رئیس - مخالفی هست (گفتند خیر) ماده (۳۹) بعبارت ذیل قرائت شد) ماده (۳۹) بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلان مینماید و اوراق انتخاب را معلوم میکند باستثنای آنهائیکه در ماده قبل ذکر شده که ضمیمه صورت مجلس میشود

رئیس - مخالفی ندارد ماده (۴۰) قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) ماده (۴۰) در هر حوزه انتخابیه انجمن های نظارت نقاط جزء صورت مجلس انتخاب خودشان را بامضای اعضاء انجمن رسانیده بانجمن نظارت انتخابات مرکزی که در جدول منضمه باین قانون برای هر حوزه معین شده میفرستند تا در آنجا با ملاحظه صورت مجلسهای انتخاب کلیه نقاط مشترک آن حوزه تشخیص نماینده منتخب حوزه را بنمایند .

رئیس - کسی مخالف هست (اظهاری نشد) ماده (۴۱) بعبارت ذیل قرائت شد) ماده (۴۱) هر گاه بعضی از انجمنهای نظارت نقاط جزء صورت مجلس انتخاب خود را در مدتیکه انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند حق انتخاب از آن نقطه ساقط است .

آقاسید حسین اردبیلی - بنده تصور میکنم یک نقطه را که شاید صد هزار نفر جمعیت داشته باشد و تکالیف خودشان را انجام داده اند و آمده اند تعرفه گرفته اند و رای داده اند صحیح نیست چطور میشود که حقوق هزاران اشخاص رای دهنده را که

بموقوف انتخاب ملی قیام کرده و این وظیفه را انجام داده اند بواسطه قصور پنج شش نفر عاقل و باطل کنیم در اینباب باید اقدام کرد که بنظارت جمعی دیگر از معتمدین محل از طرف حکومت بروند حاصل آراء را بگیرند و بانجمن مرکزی بدهند و الا گمان میکنم حقوق جمعی را آنهم حقوقی را که انجام داده اند نمیشود ساقط کرد .

ذکاء الملک - اگر يك ترتیبی شود داد که اینقسم واقع نشود البته بهتر است ولی اگر يك حوزه باشد که مردم در چندین نقطه آن بایند انتخاب بعمل بیآورند مثلا در پنج نقطه و در چهار نقطه مردم انتخابات خودشان را کرده اند و نتیجه انتخاب خودشان را هم فرستاده اند و در آن نقطه پنجم هم انتخاب خودشان را کرده اند ولی نتیجه را نفرستاده اند آن چهار نقطه دیگر تا کسی باید معطل بشوند که نتیجه انتخابات آن نقطه پنجم برسد حالا اگر شما بخواهید ملاحظه آن نقطه را بکنید که حق آن ها ساقط نشود حق این چهار نقطه دیگر ضایع شده است

چقدر آن چهار نقطه باید صبر بکنند که نقطه پنجم هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند اگر چه ظالما ملاحظه آن نقطه را بکنید که حق آن ها ساقط نشود حق این چهار نقطه دیگر ضایع شده است چقدر آن چهار نقطه باید صبر بکنند که نقطه پنجم هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند اگر چه ظالما این طور واقع نمیشود و انجمن ها نتیجه انتخابات خودشان را میفرستند و بیجهت انتخابات را موقوف نمیکند و ولی اگر کردند و نفرستادند چه باید کرد آن انجمن نظار مرکزی چه کند البته حکومت تأکید و تمقید میکند ولی باز اگر نتیجه نداد چه باید کرد انجمن نظارت مرکزی تسکینش چه چیز است و بآن چهار نقطه دیگر بگوید انتخابات شما حالا بماند تا اینکه آن ها هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند چاره جزء این نیست که انتخاب آن چهار نقطه دیگر را صحیح میدانند و اگر يك نقطه انتخاب خود را نفرستاد البته باید از آن صرف نظر کرد و چهار نقطه دیگر را معطل نگذاشت و اگر هم میتوانید پیشنهادی بکنید این هر دو ملاحظه را در نظر بگیرید البته بهتر است و قبول میشود

حاج آقا - بنده تأیید میکنم آقای اردبیلی را ما نباید برای حفظ حقوق پنج نفر حقوق صد هزار نفر را یا بماند کنیم در زمین صد هزار نفر که باید بیایند رای بدهند برای انتخاب یک نفر آمدند و رای دادند بنده تصور میکنم که بجهت کمیسیون يك سند ذمه بود که يك شکل و ترتیب دیگر این محظور را رفع کند باین معنی که دولت الزام کند حکومت محل آنجا را که انجمن نظارت الزام کند که سریعاً نتیجه را بفرستد یا يك چند نفر دیگر از اهل محل را معین کنند و بیایند نتیجه آراء را از آن ها گرفته و بفرستند لابد يك ترتیب ووجهی میتوان نتیجه آراء را تحصیل کرد آن هائیکه حاضر نشده اند از انجمن نظار که نتیجه آراء خودشان را بدهند دولت میتواند چند نفر دیگر را تعیین بکند که آن رایها را بدهند مثل اینکه يك انجمن نظار دیگری تشکیل شده است ولی اینکه حق آن ها از بین برود بواسطه يك قصوری که میکنند بنده این را منطقی نمیدانم .

ذکاء الملک - عرض کردم مخالف نیستم با اینکه طریقی پیدا شود که این محظور را رفع کند و تکرار میکنم عرایض سابق خودم را ولی در هر صورت یکوقتی باید اجازه داد بانجمن نظارت

مرکزی که انجمن های نظارت جزء صورت فرستادند و این وظیفه را انجام داده اند بواسطه قصور پنج شش نفر عاقل و باطل کنیم در اینباب باید اقدام کرد که بنظارت جمعی دیگر از معتمدین محل از طرف حکومت بروند حاصل آراء را بگیرند و بانجمن مرکزی بدهند و الا گمان میکنم حقوق جمعی را آنهم حقوقی را که انجام داده اند نمیشود ساقط کرد .

اینقسم واقع نشود البته بهتر است ولی اگر يك حوزه باشد که مردم در چندین نقطه آن بایند انتخاب بعمل بیآورند مثلا در پنج نقطه و در چهار نقطه مردم انتخابات خودشان را کرده اند و نتیجه انتخاب خودشان را هم فرستاده اند و در آن نقطه پنجم هم انتخاب خودشان را کرده اند ولی نتیجه را نفرستاده اند آن چهار نقطه دیگر تا کسی باید معطل بشوند که نتیجه انتخابات آن نقطه پنجم برسد حالا اگر شما بخواهید ملاحظه آن نقطه را بکنید که حق آن ها ساقط نشود حق این چهار نقطه دیگر ضایع شده است چقدر آن چهار نقطه باید صبر بکنند که نقطه پنجم هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند اگر چه ظالما این طور واقع نمیشود و انجمن ها نتیجه انتخابات خودشان را میفرستند و بیجهت انتخابات را موقوف نمیکند و ولی اگر کردند و نفرستادند چه باید کرد آن انجمن نظار مرکزی چه کند البته حکومت تأکید و تمقید میکند ولی باز اگر نتیجه نداد چه باید کرد انجمن نظارت مرکزی تسکینش چه چیز است و بآن چهار نقطه دیگر بگوید انتخابات شما حالا بماند تا اینکه آن ها هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند چاره جزء این نیست که انتخاب آن چهار نقطه دیگر را صحیح میدانند و اگر يك نقطه انتخاب خود را نفرستاد البته باید از آن صرف نظر کرد و چهار نقطه دیگر را معطل نگذاشت و اگر هم میتوانید پیشنهادی بکنید این هر دو ملاحظه را در نظر بگیرید البته بهتر است و قبول میشود

حاج آقا - بنده تأیید میکنم آقای اردبیلی را ما نباید برای حفظ حقوق پنج نفر حقوق صد هزار نفر را یا بماند کنیم در زمین صد هزار نفر که باید بیایند رای بدهند برای انتخاب یک نفر آمدند و رای دادند بنده تصور میکنم که بجهت کمیسیون يك سند ذمه بود که يك شکل و ترتیب دیگر این محظور را رفع کند باین معنی که دولت الزام کند حکومت محل آنجا را که انجمن نظارت الزام کند که سریعاً نتیجه را بفرستد یا يك چند نفر دیگر از اهل محل را معین کنند و بیایند نتیجه آراء را از آن ها گرفته و بفرستند لابد يك ترتیب ووجهی میتوان نتیجه آراء را تحصیل کرد آن هائیکه حاضر نشده اند از انجمن نظار که نتیجه آراء خودشان را بدهند دولت میتواند چند نفر دیگر را تعیین بکند که آن رایها را بدهند مثل اینکه يك انجمن نظار دیگری تشکیل شده است ولی اینکه حق آن ها از بین برود بواسطه يك قصوری که میکنند بنده این را منطقی نمیدانم .

ذکاء الملک - عرض کردم مخالف نیستم با اینکه طریقی پیدا شود که این محظور را رفع کند و تکرار میکنم عرایض سابق خودم را ولی در هر صورت یکوقتی باید اجازه داد بانجمن نظارت

مرکزی که انجمن های نظارت جزء صورت فرستادند و این وظیفه را انجام داده اند بواسطه قصور پنج شش نفر عاقل و باطل کنیم در اینباب باید اقدام کرد که بنظارت جمعی دیگر از معتمدین محل از طرف حکومت بروند حاصل آراء را بگیرند و بانجمن مرکزی بدهند و الا گمان میکنم حقوق جمعی را آنهم حقوقی را که انجام داده اند نمیشود ساقط کرد .

اینقسم واقع نشود البته بهتر است ولی اگر يك حوزه باشد که مردم در چندین نقطه آن بایند انتخاب بعمل بیآورند مثلا در پنج نقطه و در چهار نقطه مردم انتخابات خودشان را کرده اند و نتیجه انتخاب خودشان را هم فرستاده اند و در آن نقطه پنجم هم انتخاب خودشان را کرده اند ولی نتیجه را نفرستاده اند آن چهار نقطه دیگر تا کسی باید معطل بشوند که نتیجه انتخابات آن نقطه پنجم برسد حالا اگر شما بخواهید ملاحظه آن نقطه را بکنید که حق آن ها ساقط نشود حق این چهار نقطه دیگر ضایع شده است چقدر آن چهار نقطه باید صبر بکنند که نقطه پنجم هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند اگر چه ظالما این طور واقع نمیشود و انجمن ها نتیجه انتخابات خودشان را میفرستند و بیجهت انتخابات را موقوف نمیکند و ولی اگر کردند و نفرستادند چه باید کرد آن انجمن نظار مرکزی چه کند البته حکومت تأکید و تمقید میکند ولی باز اگر نتیجه نداد چه باید کرد انجمن نظارت مرکزی تسکینش چه چیز است و بآن چهار نقطه دیگر بگوید انتخابات شما حالا بماند تا اینکه آن ها هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند چاره جزء این نیست که انتخاب آن چهار نقطه دیگر را صحیح میدانند و اگر يك نقطه انتخاب خود را نفرستاد البته باید از آن صرف نظر کرد و چهار نقطه دیگر را معطل نگذاشت و اگر هم میتوانید پیشنهادی بکنید این هر دو ملاحظه را در نظر بگیرید البته بهتر است و قبول میشود

حاج آقا - بنده تأیید میکنم آقای اردبیلی را ما نباید برای حفظ حقوق پنج نفر حقوق صد هزار نفر را یا بماند کنیم در زمین صد هزار نفر که باید بیایند رای بدهند برای انتخاب یک نفر آمدند و رای دادند بنده تصور میکنم که بجهت کمیسیون يك سند ذمه بود که يك شکل و ترتیب دیگر این محظور را رفع کند باین معنی که دولت الزام کند حکومت محل آنجا را که انجمن نظارت الزام کند که سریعاً نتیجه را بفرستد یا يك چند نفر دیگر از اهل محل را معین کنند و بیایند نتیجه آراء را از آن ها گرفته و بفرستند لابد يك ترتیب ووجهی میتوان نتیجه آراء را تحصیل کرد آن هائیکه حاضر نشده اند از انجمن نظار که نتیجه آراء خودشان را بدهند دولت میتواند چند نفر دیگر را تعیین بکند که آن رایها را بدهند مثل اینکه يك انجمن نظار دیگری تشکیل شده است ولی اینکه حق آن ها از بین برود بواسطه يك قصوری که میکنند بنده این را منطقی نمیدانم .

ذکاء الملک - عرض کردم مخالف نیستم با اینکه طریقی پیدا شود که این محظور را رفع کند و تکرار میکنم عرایض سابق خودم را ولی در هر صورت یکوقتی باید اجازه داد بانجمن نظارت

مرکزی که انجمن های نظارت جزء صورت فرستادند و این وظیفه را انجام داده اند بواسطه قصور پنج شش نفر عاقل و باطل کنیم در اینباب باید اقدام کرد که بنظارت جمعی دیگر از معتمدین محل از طرف حکومت بروند حاصل آراء را بگیرند و بانجمن مرکزی بدهند و الا گمان میکنم حقوق جمعی را آنهم حقوقی را که انجام داده اند نمیشود ساقط کرد .

اینقسم واقع نشود البته بهتر است ولی اگر يك حوزه باشد که مردم در چندین نقطه آن بایند انتخاب بعمل بیآورند مثلا در پنج نقطه و در چهار نقطه مردم انتخابات خودشان را کرده اند و نتیجه انتخاب خودشان را هم فرستاده اند و در آن نقطه پنجم هم انتخاب خودشان را کرده اند ولی نتیجه را نفرستاده اند آن چهار نقطه دیگر تا کسی باید معطل بشوند که نتیجه انتخابات آن نقطه پنجم برسد حالا اگر شما بخواهید ملاحظه آن نقطه را بکنید که حق آن ها ساقط نشود حق این چهار نقطه دیگر ضایع شده است چقدر آن چهار نقطه باید صبر بکنند که نقطه پنجم هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند اگر چه ظالما این طور واقع نمیشود و انجمن ها نتیجه انتخابات خودشان را میفرستند و بیجهت انتخابات را موقوف نمیکند و ولی اگر کردند و نفرستادند چه باید کرد آن انجمن نظار مرکزی چه کند البته حکومت تأکید و تمقید میکند ولی باز اگر نتیجه نداد چه باید کرد انجمن نظارت مرکزی تسکینش چه چیز است و بآن چهار نقطه دیگر بگوید انتخابات شما حالا بماند تا اینکه آن ها هم نتیجه انتخابات خودشان را نفرستند چاره جزء این نیست که انتخاب آن چهار نقطه دیگر را صحیح میدانند و اگر يك نقطه انتخاب خود را نفرستاد البته باید از آن صرف نظر کرد و چهار نقطه دیگر را معطل نگذاشت و اگر هم میتوانید پیشنهادی بکنید این هر دو ملاحظه را در نظر بگیرید البته بهتر است و قبول میشود

حاج آقا - بنده تأیید میکنم آقای اردبیلی را ما نباید برای حفظ حقوق پنج نفر حقوق صد هزار نفر را یا بماند کنیم در زمین صد هزار نفر که باید بیایند رای بدهند برای انتخاب یک نفر آمدند و رای دادند بنده تصور میکنم که بجهت کمیسیون يك سند ذمه بود که يك شکل و ترتیب دیگر این محظور را رفع کند باین معنی که دولت الزام کند حکومت محل آنجا را که انجمن نظارت الزام کند که سریعاً نتیجه را بفرستد یا يك چند نفر دیگر از اهل محل را معین کنند و بیایند نتیجه آراء را از آن ها گرفته و بفرستند لابد يك ترتیب ووجهی میتوان نتیجه آراء را تحصیل کرد آن هائیکه حاضر نشده اند از انجمن نظار که نتیجه آراء خودشان را بدهند دولت میتواند چند نفر دیگر را تعیین بکند که آن رایها را بدهند مثل اینکه يك انجمن نظار دیگری تشکیل شده است ولی اینکه حق آن ها از بین برود بواسطه يك قصوری که میکنند بنده این را منطقی نمیدانم .

ذکاء الملک - عرض کردم مخالف نیستم با اینکه طریقی پیدا شود که این محظور را رفع کند و تکرار میکنم عرایض سابق خودم را ولی در هر صورت یکوقتی باید اجازه داد بانجمن نظارت

مرکزی که انجمن های نظارت جزء صورت فرستادند و این وظیفه را انجام داده اند بواسطه قصور پنج شش نفر عاقل و باطل کنیم در اینباب باید اقدام کرد که بنظارت جمعی دیگر از معتمدین محل از طرف حکومت بروند حاصل آراء را بگیرند و بانجمن مرکزی بدهند و الا گمان میکنم حقوق جمعی را آنهم حقوقی را که انجام داده اند نمیشود ساقط کرد .

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است که آقای آقامیرزا عبدالله معین الرعایا اجازه داده که از ابتدای برج اسد هذه السنه تنگوزئیل لغایت یکسال شمسی با مراعات قرار داد بانک شاهنشاهی تعداد دوازده کرور متقال نقره از قرار مثقالی بیکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسکوک دریافت دارد .

ماده دوم - وزارت مالیه مجاز است که آقای میرزا محسن معتمدالتجار اجازه داده که از ابتدای برج اسد هذه السنه تنگوزئیل لغایت یکسال شمسی با مراعات قرار داد بانک شاهنشاهی مقدار هشت کرور متقال نقره از قرار مثقالی بیکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسکوک دریافت دارد .

ماده سیم - آقایان معین الرعایا و معتمدالتجار در صورت لزوم مجازند در ظرف این یکسال این کتترات دولتی را بیانک شاهنشاهی واگذار نمایند بیست کرور متقال نقره را اضافه بر قرارداد دولتی در ظرف یکسال شمسی وارد نموده در ضرابخانه سکه نماید

حاج عز الملک مخبر - ماده سیم باید اینطور نوشته شود - ماده سوم آقایان معین الرعایا و معتمدالتجار در صورت لزوم مجازند (در ظرف این یکسال این کتترات دولتی را بیانک شاهنشاهی واگذار نمایند) این کتترات دولتی را بیانک شاهنشاهی واگذار نمایند حذف شود و بجای او نوشته شود این ۲۰ کرور متقال نقره را اضافه بر قرارداد دولتی بتوسط بانک شاهنشاهی در ظرف این یکسال وارد نموده و در ضرابخانه سکه نماید

عز الملک - بموجب یکی از مواد قانون محاسبات عمومی تمامی معاملات دولتی باید بزیاده و مناصه باشد این مسئله را هم وزارت مالیه باید در مزایده بگذارد علاوه بر این چون طرف این مسئله دو نفر از نمایندگان مجلس مقدس هستند باید بیشتر دقت کرد خوبست بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شود و کمیسیون قوانین مالیه هر طور صلاح است موافق قانون در آن مذاکره نموده و رای خود را تقدیم مجلس نماید

حاج عز الملک مخبر کمیسیون - بموجب لایحه که سابقاً از مجلس شورای ملی گذشت حمل نقره بتوسط بانک است و وزارت مالیه داخل مذاکره شده است تا بانک رضی شده است که این ۲۰ کرور متقال نقره را آقایان بتوانند بطور استثناء وارد کنند و این مسئله مربوط باین نیست که بزیاده و مناصه بگذارند بودجه هم صلاحیت این کار را داشته است اگر بکمیسیون مالیه هم نرود خلاف قانونی نشده است

رئیس - رای میگیریم که داخل مواد شویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) رئیس - با اکثریت تصویب شد

ماده اول - مجدداً قرائت گردید بانضمام ماده اول - وزارت مالیه مجاز است که آقای آقامیرزا عبدالله معین الرعایا اجازه داده که از ابتدای برج اسد هذه السنه تنگوزئیل لغایت یکسال شمسی با مراعات قرار داد بانک شاهنشاهی مقدار هشت کرور متقال نقره از قرار مثقالی بیکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسکوک دریافت دارد .

ماده دوم - وزارت مالیه مجاز است که آقای میرزا محسن معتمدالتجار اجازه داده که از ابتدای برج اسد هذه السنه تنگوزئیل لغایت یکسال شمسی با مراعات قرار داد بانک شاهنشاهی مقدار هشت کرور متقال نقره از قرار مثقالی بیکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسکوک دریافت دارد .

ماده سیم - آقایان معین الرعایا و معتمدالتجار در صورت لزوم مجازند در ظرف این یکسال این کتترات دولتی را بیانک شاهنشاهی واگذار نمایند بیست کرور متقال نقره را اضافه بر قرارداد دولتی در ظرف یکسال شمسی وارد نموده در ضرابخانه سکه نماید

حاج عز الملک مخبر کمیسیون - بموجب لایحه که سابقاً از مجلس شورای ملی گذشت حمل نقره بتوسط بانک است و وزارت مالیه داخل مذاکره شده است تا بانک رضی شده است که این ۲۰ کرور متقال نقره را آقایان بتوانند بطور استثناء وارد کنند و این مسئله مربوط باین نیست که بزیاده و مناصه بگذارند بودجه هم صلاحیت این کار را داشته است اگر بکمیسیون مالیه هم نرود خلاف قانونی نشده است

معین‌الرعا یا اجازه دهد که از ابتدای برج اسد هدهد السنه تنگوزیل لغایت یکسال شمسی با مراعات قرار داد بانك شاهنشاهی مقدار ۱۲ کرور متقال از قرار مثقالی یکقران و نیم شاهی نقره خالص تعمیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آن را قران مسكوك دریافت دارد .

رئیس - در ماده اول مخالفی هست

عز الملك - بنده يك ایراد قانونی کردم و باید جواب راجع قانونی بدهند البته رأی مجلس قاطع است ولی جواب باید قانونی باشد بنده عرض کردم که تمام معاملات دولتی باید بمزایده باشد حالا باید ببیند بجهانند که بطریق استثناء اینرا باید گذرانند یا بطریق قانون اگر واقعا موافق قانون است باید ببیند بادلایل بفرمایند و اگر هم نیست باید بگویند که مجلس در این مورد بخصوص باید استثنائی بکند

حاج عز الممالک مخبر - اولاً اینطور که خودشان فرمودند رأی خود مجلس قاطع است و خلاف قانون هم نیست اگر خلاف قانون بود مجلس رأی نمیداد خود رأی مجلس قانون است و این معامله نیست که بمزایده و مناقصه گذاشته شود این اجازه است که از طرف دولت بدون نفر از تجار داخله داده میشود که این نقره را حمل بکنند ولی بموجب لایحه که سابق از مجلس گذشته است اختصاص حمل نقره فقط بتوسط بانك شاهنشاهی است حالا بانك حاضر شده است دولت بدون نفر تجار داخله نیز این مقدار نقره را حمل نماید دیگر با این توضیحات گمان می کنم اشکالی نداشته باشد علاوه بر اینکه رأی مجلس هم قاطع خواهد بود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست با ماده اول (اظهاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم بماده اول آقایانیکه موافقت و ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده دوم بعبارت ذیل قرائت گردید

ماده ۲ - وزارت مالیه مجاز است که باقای میرزا محسن معتمدالتجار اجازه دهد که از ابتدای برج اسد هدهد السنه تنگوزیل لغایت یکسال شمسی با مراعات قرارداد بانك شاهنشاهی مقدار بیست کرور متقال نقره را از قرار مثقالی یکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسكوك دریافت دارند .

عز الملك - اگر این کنترات با بانك شاهنشاهی شده است دیگر لازم نیست که بمجلس بیاید و اگر با بانك نشده است خوبست درست توضیح بفرمائید بجهت از یکطرف میفرمایند که این کنترات با بانك شاهنشاهی بسته شده است از یکطرف دیگر مامی بینیم اینجا طرف دو نفر دیگر هستند و بانك نیست و ایراد هم که اینجا کردم برای این بود که بایستی این لایحه بکمسیون قوانین مالیه بیاید و نیامده است جواب این ایراد بنده راجع ندادند .

حاج عز الممالک مخبر - بنده عرض نکردم این کنترات با بانك شاهنشاهی نشده است عرض کردم حمل نقره به اجازه دولت با بانك شاهنشاهی است و این مقدار را بانك حاضر شده است که با دو

نفر از تجار داخله وارد بنمایند بنده عرض نکردم که این معامله با بانك است و کمسیون بودجه هم صلاحیت داشته است این چیزی هم نبوده است که اعلان مزایده و مناقصه وارد بشود .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم این جواب نمیشود میگویند که باید بکمسیون قوانین مالیه برود و راجع بکمسیون بودجه نیست عرض این است که جواب داده شود ماها هم باید از آن جواب استفاده کنیم اگر نباشد اینطور باشد نتیجه مخالف و موافق فایده ندارد .

حاج و کیل الرعا یا دولت آوردن نقره را برای ضرابخانه انحصار نخواهد داد فقط بانك شاهنشاهی يك رابطه ایست که نقره را از فرنگستان حمل بکند بایران و این در تحت يك قرار دادی است که خاطر آقایان مسبوق است که دو دفعه اینجا مکرر بیان شده که معامله نقره را دولت با بانك شاهنشاهی کرده است میخواستیم عرض کنیم توضیح بدهم که در ضمن بیانات يك نکته ایست فقط بانك که حالا ذکر مطالبش را در اینجا زائد میدانم و غالباً آقایان بهتر از من میدانند خواسته اند که با این دو نفر این معامله را بکنند و این در تحت يك قرارداد است که همه آقایان مسبوقند و اما اینکه میفرمایند بکمسیون قوانین مالیه رجوع میشد بهتر بود گمان میکنم که این جزء قوانین مالیه نیست که رجوع شود و اینرا استثناء نکند همان حقی را که برای خودش گذاشته است که هر وقت دولت میخواهد حمل نقره بکند بهمان مقدار نقره بانك شاهنشاهی حمل میکند نقره را این است حالا خواسته است که با این دو نفر این معامله را بکنند .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم که اصلاً این اجازه که بانك شاهنشاهی داده شده است آیا این از کمسیون قوانین مالیه آمده است یا از کمسیون بودجه الان مخبر کمسیون قوانین مالیه حاضر است که نظیر این مطلب از کمسیون قوانین مالیه آمدند و مطلب است که هر دو نظیر یکدیگرند یکی يك کمسیون میرود یکی دیگر بکمسیون دیگر اگر راجع بکمسیون قوانین مالیه است باید با آنجا برود اگر راجع بکمسیون بودجه است باید بکمسیون قوانین مالیه اقرار بکند که بدون جهت داخل مذاکره آن قرارداد شده آخر باید این يك ترتیبی داشته باشد یا نداشته باشد .

رئیس - این اظهاریکه میفرمائید وقتش گذشته است در کلیات میبایستی این اظهارات را بفرمائید حالا که ماده اول گذشته است نمیشود این اظهارات را در ماده دوم کرد ماده دوم را اشخاصی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده ۳ بعبارت ذیل قرائت شد با اصلاح مخبر .

ماده ۳ - آقایان معین الرعا یا و معتمدالتجار در صورت لزوم مجازند بیست کرور متقال نقره را اضافه بر قرارداد دولتی بتوسط بانك شاهنشاهی در ظرف یکسال شمسی وارد نموده و در ضرابخانه سکه نمایند

رئیس - در ماده سیم مخالفی نیست .

عز الملك - بنده مخالفم لکن فایده ندارد بنده عرض کردم که کلیه معاملات دولت یا با بانك یا بيك جماعتی باید بطریق مزایده و مناقصه باشد پس اگر بگویم تکرار کرده ام عرایض خودم را .

حاج آقا - این مسئله نقره چندی قبل تمام نمایندگان مسبوقند که گفتگو شد و با هیئت دولت هم تصویب نمود و این مسئله نقره فقط يك ممر دخلی است برای دولت و کمسیون هم که راجع بانكار است همان کمسیون بودجه است همه میدانند که دولت با بانك شاهنشاهی يك قرار دادی کرد که بتوسط او نقره وارد کنند دولت بتوسط او وارد میکند یا کسی دیگر نمیتواند نقره وارد کند بتوسط بانك باید وارد کند و این نقره هم که بتوسط آقای معین الرعا یا و معتمدالتجار وارد میشود با بانك مذاکره کردند و بانك راضی شد و این يك ممر دخلی است برای دولت که تقریباً يكصد و شصت هزار تومان برای دولت فایده دارد و يك چیزیکه فرق دارد با کنترات بانك فقط این است که قیمتش قطع شده است به بیست و نیم شاهی و آن هر قدر که میخواهد وارد میکند اگر زیادتر وارد کند ضرر دارد اگر کم وارد کند منفعت دارد ضرر و نفعش دیگر راجع بدولت نیست و بر خلاف اینها حساب کرده اند مبلغی فایده دارد برای دولت قریب صد و شصت هزار تومان بدون اینکه دیناری از برای دولت ضرر داشته باشد و هیچ محل این مذاکرات نیست راجع بکنم و زیادتی نیست که بمزایده بگذارند يك معامله ایست که دولت در حالیکه با بانك قرارداد داده بود که بیانک و اگذار کند این را بدون نفر تاجر داخله و اگذار کرده است که آنهم يك مقدار نقره وارد کند و فقط برای دولت صد و شصت هزار تومان فایده دارد و شاید هم برای آنها دارد بدون اینکه ضرری دارد بیاید و احتمال نفعی هم برای تجار داخله هست این محل گفتگو نیست که آنقدر دقت میشود

رئیس - دیگر مخالفی نیست در ماده سوم اشخاصی تصویب میکنند ماده ۳ را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

مذاکره در کلیات است در کلیات اگر مخالفی هست (اظهار کردند مخالفی نبود)

رئیس - رأی میگیریم در کلیه این لایحه آقایانی که تصویب میکنند این لایحه را ورقه سفید خواهند داد آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود خواهند داد شروع باخذ اوراق شده و آقای حاج میرزا رضاخان عده اوراق سفید را به ۴۲ احصا نمودند

رئیس - با کثرت ۴۲ رأی از (۶۹) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد . رایورت کمسیون بودجه راجع بورتی دو نفر مجاهد (بعبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بمیرزا محمد علیخان و میرزا عباسخان و شیخ علی مجاهد در کمسیون مطرح گردیده وزارت مالیه اظهار داشته اند این سه برادر از رشت در جزء مجاهدین بطهران آمده و در موقع فتح طهران آقا شیخعلی مقتول گردیده و مدتی است این دو برادر در طهران مقروض و پریشان هستند و نظر بخدمالی که در راه آزادی نموده اند يكصد تومان بآنها داده شود کمسیون بودجه همین پیشنهاد وزیر را تصویب مینماید .

ماده واحده - مبالغ یکمصد تومان بمیرزا محمد علیخان و میرزا عباسخان برای تأدیة قروض شخصی و خرج راه پرداخته میشود.

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)
آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب نمیکند ورقه آبی شروع باخذ اوراق شده و آقای حاج میرزا رضا خان بعد از (۴۱) احصا نمودند .

رئیس - با کثرت ۴۱ رأی از (۷۱) نفر تصویب شد برای خاطر اطلاع آقایان عرض کنیم که آقای ارباب کیخسرو از آن کمیسیون نه نفری استعفا داده اند در جلسه آتیه یک نفر بجای ایشان باید انتخاب بشود دستور سه شنبه ۱۴ - شور اول در بقیة قانون انتخابات از ماده ۴۷ راپورت بودجه راجع بقریة غربی دزفول - راپورت قوانین مالیه راجع بوراث اشخاصی که موجب آنها از دو تومان کمتر است - راپورت کمیسیون بودجه راجع بقنات یوسف آباد بفرویه یزد و ادیب المجاهدین آقای حاج آقا راجع بدستور فرمایش دارید .

حاج آقا - خواستم خواهش کنم که جزء دستور قرار بدهید که کمیسیون نه نفری راپورتی بمجلس بدهد که ما مطلع شده باشیم از اقداماتشان والا ما هیچ خبر نداریم

رئیس - کمیسیون چه راپورت باید بدهد وقتی راپورت میدهد که وزراء نطقی داشته باشند نخواهند بمجلس اظهار کنند هنوز که اظهاری نکرده اند .

لواءالدوله - در خصوص میرزا عبدالعلی مجاهد تقریباً کسان او مستاصل هستند تقاضا میکنم که جزء دستور روز سه شنبه گذارده شود .

رئیس - اگر وقت داشتیم آنرا هم می گذاریم جزء دستور مخالفی نیست باین ترتیب (اظهاری نشد)

(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۸۲

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۹

آقای رئیس سه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس فرمودند و پس از ده دقیقه مجلس رسماً تشکیل شد صورت مجلس قبل را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین جلسه قبل بدون اجازه معاضد السلطنه .

با اجازه - آقا محمد بروجردی آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقا میرزا یانس ۲ ساعت ونیم - ناصر الاسلام ۵۵ دقیقه دکتر امیرخان ۵۰ دقیقه ادیب التجار نیرالسلطان حاج امام جمعه انتظام السلطنه - هر کدام نیم ساعت مریم آقا میرزا مرتضی قلیخان مرزا علی اکبر خان دهخدا

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست
لواءالدوله - در خصوص اکثریت نسبی بنده مخالف بودم و پیشنهادی کرده بودم ننوشته اند

رئیس - در قانون انتخابات .
لواءالدوله - بله

رئیس - تصحیح میشود دیگر مخالفی نیست گفتند خیر صورت مجلس تصویب شد جواب مرقومه

علماء اعلام و حجج اسلام نوشته شده است قرائت میشود اگر تصویب شد فرستاده میشود .

(جواب مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

مقام محترم هیئت اتحادیه علماء اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم لایحه محترمه آن هیئت معظمه که مشعر بر حسن توجهات وجدانیه و ادای وظایف دینیہ آن ذوات مقدسه در حفظ اساس اسلامیت و استقلال مملکت اسلامی بود در مجلس شورایملی قرائت و موجب ترحیب قلوب و تأمین دلها و تشکر عموم گردید و تهیه موجبات آسایش عمومی که مقصد اصلی دین مبین است بوده و نظر بهمین مقصود بوده که از پیشرفت آن از بنذل همه گونه مساعدت و مجاهدت فرو گذار فرموده از هیچگونه همراهی مضایقه نکردند و اینک هم نظر بوخامت عاقبت این پیش آمده انتظار همین بود که اگر چه از طرف دولت اقدامات کافی در جلوگیری شده و میشود از طرف آن هیئت مقدسه هم مساعدتها معنوی بعمل آید و قلوب افسرده که رشته آنها بانفاس قدسیه آن ذوات محترم مربوط است بهیچا آمده حمط حقوق خود را باعلی درجه ساعی و جاهد باشند .

رئیس - مخالفی هست (گفتند خیر) همینطور که قرائت شد نوشته و فرستاده میشود قانون انتخابات از ماده ۴۷ قرائت میشود .

ماده ۴۷ اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین انتخاب شکایتی یا ایرادی راجع بان انتخاب داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود
رئیس - در این ماده مخالفی نیست (مخالفی نبود) (ماده ۴۸ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۴۸ انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا یک هفته شکایات راجع بان انتخابات را میپذیرد و تا یک هفته دیگر هم برای رسیدگی بشکایات دائر خواهد بود .

حاج سید ابراهیم - این شکایات از انتخابات است یا شکایت از انجمن نظارت است اگر شکایت از انتخابات باشد خود انجمن نظارت باید رسیدگی کند بجهت اینکه مسؤل صحت انتخابات انجمن نظارت است ولی شکایت از انجمن نظارت باید بحکومت شکایت شود که او این انجمن نظارت را معین کرده است پس باید فرق بگذاریم بین شکایاتی که از انتخابات میشود یا شکایاتی که از انجمن نظارت میشود .

ذکاء الملک - شکایتی که از انجمن نظارت میشود ممکن است که تعمدی نباشد و خود انجمن بتواند او را رفع کند در صورتیکه نتواند رفع کند آن وقت باید بمجلس شورایملی اظهار کنند دیگر بحکومت اظهار کردن لازم نیست و شکایات در صورتیکه راجع بان انتخابات باشد باید بانجمن نظارت باشد و یا اگر بانجمن نظارت اظهار نشود باید بمجلس شورای ملی شکایت کنند غیر از مجلس شورای ملی گمان میکنم کسی نمیتواند در انتخابات حکم واقع بشود .

معزز الملک - بعقیده بنده این چیزی که اینجا نوشته شده است صحیح نباشد اینجا می نویسد انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا یک هفته

شکایات راجع بان انتخابات را می پذیرد و تا یک هفته دیگر هم دائر است برای رسیدگی به شکایات پس دوهفته انجمن نظارت برای رسیدگی بشکایات و پذیرفتن شکایات دائر است خوب است بنویسند که انجمن تا دوهفته برای پذیرفتن و رسیدگی بشکایات دائر است .

ذکاء الملک - بله در یک ماده دیگر ذکر شده است که انجمن نظارت دوهفته بعد از ختم انتخابات متفرق میشود حالا در کمیسیون مذاکره شد که انجمن انتخابات در ظرف این دوهفته تماماً شکایات مردم را قبول میکند یا اینکه در هفته اول قبول می کند و در هفته دوم رسیدگی مینماید پس اگر بخواهیم بگوئیم در ظرف این دوهفته شکایات را تمام قبول میکنند و در این صورت دیگر وقت برای او باقی نماند که در آن شکایات رسیدگی کند و اینکه سابقاً نوشته شده بود که انجمن انتخابات تا یک هفته دائر خواهد بود برای مراجعه بشکایات به همین ملاحظه که انجمن تا یک هفته شکایات را بگیرد بعد اگر لازم شد اگر چه ممکن است که لازم باین که انجمن نظارت رسیدگی بکند نباشد و حالا باین ترتیب که نوشته شده است تا روز آخر هفته اول هم اگر شکایتی رسید باز حق دارد قبول کند و تا یک هفته دیگر هم رسیدگی مینماید ولی در هفته دوم دیگر قبول شکایات نمیکند و برای اینکه محدود باشد شکایت کردن مردم بانجمن نظارت این طور نوشته شده است ولی بعد از آنی که از این حد گذشت باز هم میتواند شکایت را بمجلس شورای ملی رجوع نماید .

حاج آقا - بنده آن اشکال اولیه را که حاج سید ابراهیم فرمودند بنده تأیید میکنم بواسطه اینکه جواب دادند که در ماده بعد شکایاتی که راجع بانجمن نظارت فرستاده میشود بمجلس شورای ملی و بنده با همه تجربیاتی که آقایان در امر انتخاب دارند این مطلب را کافی میدانم بلکه لازم میدانم که شکایت از انجمن نظارت در همان محل بحکومت بشود که بلکه بحکومت بتواند رفع آن سکایت را بکند و واقعاً اگر نقصی در کار باشد رفع میکند بواسطه اینکه اگر بنا بشود شکایت از انجمن نظارت رجوع شود بمجلس شورای ملی مدت زمانی طول خواهد کشید در صورتیکه امر انتخاب تمام شده و اعتبار نامه شان هم فرستاده شده است بمجلس شورای ملی و آن وقت آن کسانی که ایراد داشته بانجمن نظارت یا اینکه آن ها رشته غرض رانی میدانستند و ایراد واقعی هم داشتند ناچار میشوند که به مجلس شورای ملی رجوع بکنند بمجلس شورای ملی هم چون دور از آن مرکز انتخاب است آیا صحت شکایت آنها را ملتفت بشود و مطابق مقصود رسیدگی بعراض آنها بکنند یا نکنند و اگر هم بکنند مدتی طول خواهد کشید پس بسیار خوب است که اگر شکایتی داشته باشند از انجمن نظارت بحکومت محل رجوع بکنند که اگر بحکومت محل تصدیق کرد آنها را تغییر میدهد و اگر تصدیق و تصویب نکرد انجمن نظارت را تغییر نمیدهد و آنوقت دیگر تعطیل هم در امر انتخابات نشده است .

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد - اصلاحی